

فصلنامه علمی - تخصصی اسلام پژوهان
سال پنجم، شماره سیزدهم، زمستان ۱۳۹۸

بررسی زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری مناظرات علمای شیعه و سنی

از قرن هفتم تا قرن یازدهم هجری

سید احسان یگانه*

چکیده:

مناظره، بحث و گفت و گو از ابزارهای مؤثر در دفاع از مبانی و ارزش‌هایی دینی است. یکی از شیوه‌های تبیین معارف دینی در مکتب اهل بیت: در مواجهه با اندیشه‌های مخالفان اسلام، مناظره‌ها و احتجاج‌هایی بوده است که ائمه معصومین: یا تربیت یافتگان آنها در طول تاریخ انجام دادند. مناظره یکی از فنون منطقی و روش‌مند در مباحثات علمی و کلامی است که همواره مورد توجه عالمان و متکلمان اسلامی بوده است. در طول تاریخ، بحث و مناظره با مخالفان اغلب پیرامون مسائل اعتقادی و کلامی بوده است. مهمترین شهرهای جهان اسلام و مراکز فرهنگ تمدن اسلامی، به علت حضور گروه‌های مختلف سیاسی، مذهبی شاهد مناظرات بسیاری بین گروه‌ها، خصوصاً میان شیعه و اهل سنت در طی قرن‌های هفتم تا یازدهم هجری بوده است. ما در این پژوهش بر اساس روش توصیفی، تحلیلی و تاریخی با رجوع به منابع کتابخانه‌ای در صدد بررسی تاریخی و کلامی زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری این مناظرات هستیم. بر اساس مستندات تاریخی می‌توان ادعان کرد که زمینه‌هایی همچون انحرافات سیاسی، اجتماعی، فکری و عقیدتی باعث شکل‌گیری این مناظرات شده است.

واژگان کلیدی: مناظرات، علماء، سنی، شیعه، زمینه‌ها و عوامل مناظرات

*. سطح ۳ تاریخ اهل بیت: موسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا (ع)

مقدمه

یکی از امتیازهای انسان بر حیوان، قوه ناطقه و تکلم است؛ تنها انسان است که از طریق گفت و گو روابط خود را با همنوعان خویش برقرار کرده و از اندیشه و مقاصد یکدیگر اطلاع پیدا می‌کند. این حقیقت ذاتی و فطری یکی از تکیه گاه‌های تبلیغ پیامبران در تبلیغ رسالت‌ها و پیام‌های آسمانی بوده است و همین غریزه فطری باعث مجادله‌های گوناگون اقوام مختلف با پیامبران شده است. مجادله نوح(ع) با قوم کافر خویش و هم چنین گفت و گوی هود(ع) و صالح(ع) و سایر پیامبران با امت‌های ملحد خود به ویژه ابراهیم خلیل(ع) با خویشاوندان گمراه و حتی با طبیعت پرستان و سرکرده نمرودیان که به بحث می‌نشیند از مقوله جدال نیکو بوده است و آنان را مبهوت می‌سازد. لوط(ع) و شعیب(ع) با اقوام خود و موسی(ع) با فرعون و حضرت عیسی(ع) با م تعصبان یهودی، همه اینها از وجود نمونه‌های بارز گفت و گوی دینی در آن زمان به حساب می‌آیند. از همه مهم تر و روشن تر احتجاج‌های پیامبر اسلام(ص) با مشرکان عرب و مسیحیان نجران و ماده پرستان و منکران خدا و معاندان زمان است که صورت مناظرات و به شکل نیکو ترین مجادله‌های پیامبر و مسلمان‌ها در کتاب‌ها انعکاس قابل توجهی دارد. پس از پیامبر(ص) اهل بیت عصمت و طهارت: این شیوه را ادامه دادند و با اقدام به سنت نیکوی پیامبران، گام‌های برجسته‌ای در این راه برداشتند: مناظره امام علی(ع) با دانشمندان یهود درباره خداد و صفات او، در منابع دینی و تاریخ اسلام ثبت شده است، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) نیز بارها با معاویه و هوادارانش به گفت و گو پرداخته و آنان را محکوم نموده اند، مناظره امام باقر(ع) و امام صادق(ع) با بقایای خوارج و ملحدان زمان و منکران خدا در نیمه اول قرن دوم هجری از نمونه‌های برجسته جدال نیکو، بلکه نیکوترین جدال است.^۱

بررسی، مطالعه و تحقیق پیرامون زمینه‌های شکل گیری و ایجاد مناظرات شیعیان با دیگر فرقه‌ها و گروه‌ها خصوصاً اهل سنت از با اهمیت‌ترین نکته‌های اساسی در تجزیه

۱. شریعتی سبزواری، محمدباقر؛ *مناظره و تبلیغ*؛ ص ۲۴-۲۵.

و تحلیل مناظرات می‌باشد. واضح است که تحولات و دگرگونی‌های سیاسی، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی در طی قرون متمادی تاریخ اسلام با اغراض و شیوه‌های متفاوتی زمینه‌های بوجود آمدن مناظرات بین شیعه و سنی را فراهم کرده است. این تحولات و دگرگونی‌ها در طول تاریخ پر فراز و نشیب اسلامی از جهات مختلف، آنچنان مخرب بود که منجر به شکل‌گیری و پدیدار شدن جریان‌های کلامی بسیاری در جهان اسلام شد. انحراف فکری در نحوه اداره جامعه، رشد افکار و اندیشه‌های انحرافی برای سودجویی، ورود افکار و عقاید مسیحیت و از همه مهمتر شکل‌گیری دوران نهضت ترجمه با ورود کتاب‌های مختلف فکری به سرزمین اسلامی روند آموزش و تدوین کتاب با رویکرد مناظره و ردیه‌نویسی را در میان شیعیان گسترش داد. این تحولات باعث شد برخی دانش‌های مرتبط به ویژه فلسفه، کلام، تاریخ، فقه، حدیث و تفسیر قرآن نیز توسعه یابد.

«روند این توسعه این گونه ارزیابی می‌شود که اگر مناظره‌ای در حوزه‌ی تاریخ بود، مناظره‌کننده باید تاریخ و موضوعات مرتبط با آن را به خوبی مطالعه کرده بود و به تمام جوانب و اصول تاریخی آن موضوع آگاه می‌بود. همچنین در حوزه‌های دیگر علوم انسانی از جمله حدیث و تفسیر برای قوت مناظره، به تسلط بر منابع نیاز بود، چنان که گاه درباره موضوعی، مناظره می‌شد که استناد حدیثی لازم داشت و بر مناظره‌کننده لازم بود که علاوه بر دانستن حدیث، به قواعد استفاده از حدیث نیز آگاه باشد. این نیازمندی باعث شد که حوزه‌های گوناگون علوم اسلامی و انسانی رشد و توسعه یابد و در این زمینه آثار با ارزشی منتشر شود»^۱.

در این راستا امامان شیعه برای دفاع و مبارزه با این دگرگونی‌ها با تربیت و پرورش شاگردانی متخصص و برجسته در علوم مختلف نظام تدافعی عظیمی بنیان‌گذاری کردند و همزمان با دفاع از مکتب شیعه در راستای تقویت، رشد و گسترش بنیان‌های فکری تشیع تلاش وصف‌ناپذیری انجام دادند. پس از ائمه و شاگردان ایشان، علمای مکتب تشیع نیز ادامه دهنده این راه بوده‌اند. با نمایان شدن زمینه‌های شکل‌گیری مناظرات می‌توان اظهار داشت که عوامل مهمی که در وقایع و جریان‌های گمراه‌کننده و انحرافی،

^۱. یآوری سرتختی، محمدجواد؛ بررسی و تحلیل مناظرات شیعیان امامیه عصر ائمه اطهار؛ ص ۶۰.

نقش و دست داشته کدام است و چه اندازه نقش داشته و اثر گذار بوده است. با توجه به تحقیقات صورت گرفته زمینه‌هایی همچون زمینه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فکری، اعتقادی و فقهی در شکل‌گیری مناظرات بین شیعه و سنی در قرن‌های هفتم تا یازدهم قمری در مناطق اسلامی نقش اساسی داشته است. در این قسمت به بررسی این زمینه‌ها می‌پردازیم.

۱. زمینه‌ها و عوامل سیاسی

اولین اختلاف سیاسی بین مسلمانان پس از وفات پیامبر گرامی اسلام (ص) بر سر مسأله جانشینی ایشان بوجود آمد؛ برای اینکه سازمان‌دهی و برپایی حکومت و قدرت سیاسی به منزله رویدادی مهم در راس امور زندگی سیاسی مسلمانان شناخته شده و مورد قبول واقع شده بود. پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) گروهی منفعت طلب در سقیفه بنی ساعده در پی تشکیل قدرت سیاسی برای مدیریت و حاکمیت بر جامعه اسلامی برآمدند. آنها با نادیده گرفتن انتصاب حضرت علی (ع) از طرف خداوند و معرفی ایشان از طرف پیامبر در روز غدیر خم، جریان سقیفه را راه اندازی کردند. با شکل‌گیری این جریان، زمینه‌های بوجود آمدن مناظرات و گفتگوهای کلامی و اعتقادی شیعیان با مخالفانشان فراهم شد و در طول قرن‌های متمادی این موضوع باعث بروز مناظرات و احتجاج‌هایی بین مسلمانان در جامعه اسلامی گردید.

شیعه معتقد است که رهبری و اداره کردن امور دین و دنیای مردم بر عهده‌ی شخصی منصوب از طرف خداوند است.^۱ اما غیر شیعه حاکمیت بر مردم و اداره امور جامعه را بر عهده شخصی منتخب از طرف مردم لازم و ضروری می‌داند. با توجه به این دیدگاه انتخاب حاکم جامعه اسلامی بر مردم واجب و لازم است. اما براساس باورهای شیعه، خداوند بنا به لطف خود برای هدایت جامعه و مردم، انسانی بی عیب و نقص را برای مدیریت دین و دنیای مردم و مسلمانان تعیین می‌کند. در نتیجه طبق دیدگاه اهل سنت مسیر خلافت و جانشینی پیامبر (ص) منتهی به انسان‌های غیرمعصوم می‌شود که این دیدگاه و تفکر در طول حیات تاریخ اسلام منجر به پیدایش انحرافات سیاسی و

۱. صدوق، محمد بن علی؛ *الهدایه (فی الاصول و الفروع)*؛ ج ۲، ص ۲۵-۲۶.



حاکمیتی گردید و حاکمان بنی امیه، بنی عباس و دیگر خلفای اسلامی با این تفکر و اندیشه بر جامعه اسلامی حکمرانی کردند.

این اختلاف سیاسی درباره مسأله جانشینی پیامبر به ظهور عقاید مختلفی در خصوص امامت و خلافت بین مسلمانان منتهی گردید؛ زیرا شیعه بر اساس تفکر و دیدگاه‌های اعتقادی سیاسی خویش امامت و رهبری جامعه را تکلیف اشخاص لایقی می‌داند که با دستور خداوند متعال منصوب و توسط پیامبر خاتم(ص) به صورت رسمی معرفی شده باشند. طبق این دیدگاه پیشوایان شیعه با توجه به برتری علمی و عقلی در مدیریت جامعه اسلامی، جانشینان واقعی پیامبر هستند. امامان شیعه برتر از دیگر مردم و دارای مقام عصمت از گناه، خطا و لغزش هستند و با این مقام شایستگی و توان هدایت بشر را دارا می‌باشند. چنان که متکلمان و فقهای شیعه از جمله شیخ مفید عالم برجسته شیعه امامت و جانشینی امامان معصوم: را نوعی ریاست و رهبری همگانی برای مسلمانان به خصوص شیعه در امور دنیوی و دینی آنها می‌دانند.

با شروع کجروی‌های سیاسی در مسیر تاریخ اسلام و دگرگونی و تغییر اندیشه سیاسی اسلام در نحوه معرفی جانشینان پیامبر(ص) که منجر به غصب خلافت ائمه اطهار: شد، جامعه اسلامی شاهد حضور و به حکومت رسیدن خاندان‌های بنی امیه و بنی عباس و عثمانی‌ها با جبر و فشار به همراه مکر و حيله بود. این خاندان‌ها بر پایه تفکرات انحرافی خود به ظلم و فساد در جامعه اسلامی روی آورده و سیاست خود را در مبارزه با شیعه و شیعیان می‌دانستند. آنها با معرفی خود به عنوان خلفای اسلامی برای استحکام قدرت خویش به ظلم، فساد و بی‌عدالتی نسبت به مردم خصوصاً شیعیان روی آوردند.

شیعیان در مناظرات با اهل سنت تلاش کردند تا علاوه بر حمایت از حق جانشینی اهل بیت در امامت و خلافت و تبیین باورهای سیاسی شیعه به روشنگری و آشکار ساختن غیرمشروع بودن حکومت پردازند که نتیجه این احتجاجات نیز غیر الهی بودن رویه سلطه و حکمرانی خلفا و نظام حاکمیت را به دنبال داشت. فرقه‌ها و گروه‌های مختلف به کانون تبادل اندیشه‌ها و تفکرات گروه‌های متفاوت به همراه تعاملات فرهنگی و معرفتی تبدیل شده بود. در این دوره بود که امکان پیدایی و ابراز باورهای گوناگون توسط گروه‌ها و مکاتب فکری، عقیدتی فراهم شد. فضای شهرهای اسلامی در این دوران



شرایط حضور اندیشمندان زیادی را به این شهرها با توجه به موقعیت علمی آنها فراهم کرد. مناظرات علامه حلی با علمای اهل سنت در حضور سلطان مغول با پیش زمینه سیاسی بوده است.^۱ علامه حلی، عالم بارز شیعه به دعوت سلطان محمد خدابنده پادشاه مغول به ایران آمد و در پایتخت وی سلطانیه قزوین سکونت ورزید. علامه در مدت اقامت در ایران با جمعی از علمای بزرگ عامه در دربار سلطان مغلول با آنها پیرامون مسائل اعتقادی و فقهی بحث‌ها کرد.^۲ علامه حلی با علمای اهل سنت از جمله نظام‌الدین عبدالملک مراغی، هر روز محافل و نشست‌های گوناگون معرفتی و علمی همانند مناظره و تبادل نظرات تشکیل می‌شد و متفکران و صاحبان مکاتب گوناگون با بهره‌برداری از موقعیت‌های بوجود آمده و پشتیبانی حکوت از آنها افکار و دیدگاه‌های علمی و مذهبی خود را بیان کرده و به اتهامات و ایرادات مخالفان خود پاسخ می‌دادند. همچنین مناظره قاضی نورالله شوشتری با یکی از سادات سیفی قزوینی درباره امامت در این راستا بوده است.^۳ در این دوره مجالس و محافل علمی و حلقه‌های بحث و مناظره معمولاً در مساجد، منازل خلفا، امیران، وزیران و دانشمندان و کتابخانه‌ها و دارالعلم‌ها و حتی کتاب فروشی‌ها نیز شکل می‌گرفت.

۲. زمینه‌ها و عوامل اقتصادی و اجتماعی

پس از آنکه دین اسلام به مناطق مختلفی گسترش یافت و سرزمین‌های فتح شده درآمدهایی از طریق غنایم و غیر آن نصیب مسلمانان کرد وضع عمومی مسلمانان بهبود یافت. درآمدهای کسب شده در جامعه اسلامی تحت عنوان بیت المال مدیریت می‌شد و پیامبر با مدیریت خود حق و حقوق همه مسلمانان را از بیت المال پرداخت می‌کرد. اما بعد از رحلت پیامبر(ص) و با حاکمیت ابوبکر به عنوان خلیفه مسلمین و در تمام دوران خلافت از وقتی مالی و غنایمی می‌رسید رسم بر این بود که آن اموال را به مسجد پیامبر(ص) می‌بردند، و پس از تفکیک از لحاظ موارد مصرف یا بوسیله خود خلیفه و یا

۱. یگانه، احسان؛ بررسی و تحلیل مناظرات علمای امامیه با علمای اهل سنت از قرن هفتم تا

پایان قرن یازدهم؛ ص ۵۱.

۲. خوانساری، محمدباقر؛ *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*؛ ج ۳، صص ۳۷-۳۸.

۳. شوشتری، نورالله؛ *مجالس المؤمنین*؛ ج ۱، صص ۵۷۲-۵۷۳.



توسط شخصی به نیابت از حاکم اسلامی به طور مساوی بین مردم تقسیم می‌کردند، اما در زمان عمر بن خطاب جانشین ابوبکر، وی با این شیوه تقسیم اموال میان سبقت‌گرفتن در اسلام، میان زن و مرد، میان افراد آزاد و بردگان مخالفت کرد و گفت باید بین ایشان فرقی باشد.^۲ عمر با این کار خود اختلاف طبقاتی را بین مسلمانان پایه‌گذاری کرد. بعد از عمر و در دوران عثمان نیز همین شیوه در تقسیم اموال بین مسلمانان ادامه یافت اما کوتاهی کردن عثمان در امور اقتصادی جامعه اسلامی و آزاد گذاشتن صحابه در خروج از مدینه و اجازه تملک برخی از اراضی در نقاط مختلف سرزمین‌های اسلامی توسط آنان موجبات رخت بستن عدالت و مساواتی که اساس کار پیامبر(ص) در جامعه اسلامی بود با این کوتاهی و سهل‌انگاری فراهم شد.

عثمان پس از به قدرت رسیدن و تثبیت حاکمیت خود همان رویه عمر را در تقسیم غنایم و اموال در پیش گرفت بلکه حتی مقدار مقرری‌ها را نیز افزایش داد. وی در بذل و بخشش‌های خود به کسانی مال عطا می‌کرد که نیاز مالی نداشتند و به تعبیری ثروتمند بودند. عثمان در این بذل و بخشش با استناد به حقوق خلافت خویشاوندان و بستگان خود را بر دیگر مسلمانان ترجیح می‌داد. لذا وقتی که مردم نسبت به این کار عثمان اعتراض می‌کردند می‌گفت مشتاق فقیر و عیالوار هستم، از این اموال که زیر دست من است صله رحم می‌کنم.^۳ این سیاست‌های مالی غلط که باعث برتری و ترجیح بعضی بر بعض دیگر و اجحاف در حق دیگران می‌شد، نتایجی از قبیل برهم زدن سیاست مالی اسلام بر پایه مساوات، فساد اقتصادی و تسلط یافتن بنی‌امیه بر مسلمانان و اموال آنها را در پی داشت. این نوع سیاستی که عثمان در پیش گرفته بود باعث تأثیر پذیری حوزه‌های دیگر جامعه اسلامی از جمله حوزه اجتماعی در سرزمین‌های اسلامی شد. با این رویه در حوزه اجتماعی جامعه اسلامی دیگر عدالت مساوات و برابری معنا نداشت و در پی این نوع سیاست‌های غلط مردم جامعه اسلامی به خصوص افرادی مانند ابوذر غفاری، عمار بن یاسر و دیگر یاران علی بن ابیطالب(ع) به

۱. ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم؛ *الخراج*؛ صص ۴۲-۴۳.

۲. ابن‌ابی‌الحدید؛ *شرح نهج البلاغه*؛ ج ۱۲، ص ۲۱۴.

۳. محمد بن سعد؛ *الطبقات الکبری*؛ ج ۳، ص ۴۷. بلاذری، احمد بن یحیی؛ *انساب الاشراف*؛ ج ۶، صص ۱۳۳-۱۳۴.

انتقاد از این سیاست‌های تبعیض آمیز پرداخته و بارها این افراد در مقام انتقاد به مناظره با عثمان پرداختند. یعقوبی مورخ مشهور در کتاب تاریخ خود اشاره به انتقادات ابوذر نسبت به عثمان و حاکمیت او دارد اما دستگاه حاکمیت طاقت این انتقادات را نداشت و ابوذر را به شام تبعید کرد.^۱ عمار بن یاسر نیز زمانی که منتقدان عثمان از او خواستند تا نامه آنها را به عثمان برساند، وی پس از آمدن به مدینه به مناظره با او و به نصیحتش پرداخت و از اوخواست تا به نامه آنها رسیدگی کند، اما عثمان علاوه بر اینکه به نامه آنها توجهی نکرد بلکه دستور داد تا عمار را به اتهام دروغ گویی کتک بزنند.^۲

جریان انحرافات اقتصادی و اجتماعی که از دوره خلفا آغاز شده بود سال‌ها و چه بسا قرن‌ها بر جامعه اسلامی اثرات منفی گذاشت و حکومت‌های مختلف اسلامی نیز این مسیر انحرافی را ادامه دادند و جامعه اسلامی را دچار فساد اقتصادی و اجتماعی کردند. در مقابل این انحرافات شیعیان با روش‌های گوناگون به مبارزه با آنان پرداختند. تلاش شیعیان در قالب مناظره، احتجاج و دلیل آوری یکی از روش‌های مبارزه با این کجروی‌ها و گمراهی‌ها بود که مهم‌ترین اثر خود را در بیداری جامعه اسلامی خصوصاً شیعیان با به وقوع پیوستن قیام‌های آنان در مقابل ظلم و فساد اجتماعی، اقتصادی دستگاه حاکم بر جای گذاشت. در دوران‌های بعد از عباسیان نیز همانند دوران‌های گذشته با بکار بستن سیاست‌های تبعیض آمیز و اعمال سختگیری‌ها و فشارهای مالی و تزییقات طاقت فرسای اقتصادی عرصه بر مسلمانان تنگ شد. حاکمان اسلامی در زمان خلافت خود اقتصاد جامعه اسلامی را فلج کرده و اموال عمومی مسلمانان را در دستگاه حاکمیت به صورت نامشروع جمع آوری کردند.

آنها علاوه بر این، آنچه که در دست مردم بود را نیز به زور از مردم می‌گرفتند. با اعمال فشارهای ظالمانه بر مردم خصوصاً فشارهای اجتماعی و اقتصادی سرزمین‌های اسلامی، کانون قیام‌ها و مبارزات و نهضت‌هایی با الهام از مکتب ظلم ستیز امامان اطهار و شیعیان بوده است. شیعیان برای مقابله با سیاست‌های خصمانه حاکمان جور، فعالیت‌های متعددی را پایه گذاری کردند. آنها علاوه بر قیام برضد فساد حکومتی با حضور در فعالیت‌های اجتماعی خصوصاً حضور در محافل و مجالس علمی و مناظرات به

۱. یعقوبی، احمد بن اسحاق؛ *تاریخ یعقوبی*؛ ج ۲، ص ۱۷۲.

۲. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی؛ *الفتوح*؛ ج ۲، ص ۳۷۳.

مقابله با مخالفان و دشمنان پرداختند. در طی این قرون با توجه به، بوجود آمدن فرقه‌های مختلف در جامعه اسلامی و گسترش این فرقه‌ها در اجتماع و مجامع عمومی، شیعیان به دفاع از اعتقادات و باورهای خود پرداخته و به ابطال عقاید انحرافی حاکمان و گروه‌های حاضر در جامعه همت گذاشتند. در این راستا زمینه برگزاری مناظرات کلامی و فقهی بین شیعه و سنی در اجتماع و مجامع عمومی فراهم شد.

یکی از عوامل شکل گرفتن مناظرات حضور علما و اندیشمندان در مجالس شخصی، عمومی و اجتماعی شهرها بوده است. علامه حسین بن عبدالصمد عاملی پدر شیخ بهایی در سفری به حلب در سال ۹۵۱ق، به دعوت یکی از علمای حنفی مذهب این شهر وارد منزل این عالم سنی شد و مناظره‌ای با این عالم انجام داد و ایشان را به آیین اثنا عشری مشرف گردانید.^۱ فرزند نامدار ایشان شیخ بهایی نیز در یکی از سفرهایش به شام با یکی از علمای اهل سنت این شهر در لباس یک عالم سنی شافعی به مناظره برخاست و با بیان نکاتی مهم اما ساده این عالم سنی را به سکوت واداشت.^۲ همچنین مناظره ابن ابی جمهور احسائی با فاضل هروی در سال ۸۷۸ق، در منزل سید محسن رضوی^۳ نشان دهنده ارتباط اجتماعی علمای سنی و شیعه و برگزاری مجالس مناظره بوده است.

۳. زمینه‌ها و عوامل عقیدتی

یکی از مشکلاتی که جامعه اسلامی را در طول قرن‌ها دچار آشفتگی و چندگانگی کرد، بوجود آمدن فرقه‌های گوناگون در بین مسلمانان بوده است. می‌توان گفت که یکی از مهمترین عوامل تمایل به فرقه‌گرایی و حتی آغاز فرقه‌گرایی در اسلام، اختلاف مسلمانان بر سر موضوع جانشینی امامت و رهبری جامعه اسلامی بوده است. با آغاز فرقه‌گرایی و چندگانگی در اسلام حتی می‌توان گفت که گروه‌هایی از پایه و اساس از اسلام جدا شدند. آنان بر سر اصل و نسب، مصداق امام و جانشین پیامبر: به اختلاف پرداختند. آنها همچنین درباره شان و ویژگی‌های جانشین پیامبر به مناقشه

۱. اشتهاوردی، محمد محمدی؛ یکصد و یک مناظره جالب و خواندنی؛ ص ۲۸۵.

۲. خوانساری، محمدباقر؛ روضات الجنات؛ ج ۷، ص ۷۱.

۳. بحرانی، یوسف بن احمد؛ لؤلؤة البحرین؛ ج ۱، ص ۱۶۶. حسن، عبدالله؛ مناظرات فی الامامة؛ ص ۳۴۷-۴۰۸.

می‌پرداختند. بنابراین این انحرافات عقیدتی، فکری و ظهور فرقه‌ها و مذاهب گوناگون در جامعه اسلامی بر اساس نوع نگاه و نگرش نسبت به امام و رهبر جامعه و ویژگی‌ها و شیوه و روش انتخاب آن آغاز شد و در ادامه با شناخت آنان نسبت به اعتقادات و تفکرات ملت‌های مختلف به جدایی کامل آنان و انحراف از دین اسلام منتهی شد. عالمان و فرقه‌شناسان اسلامی شرط اصلی تمایز فرقه اسلامی از غیر اسلامی را در اقرار به شهادتین و پذیرش فی الجمله آموزه‌های پیامبر(ص) می‌دانند و بر این اساس متکلمان، غلو، اباحی‌گری، قول به تناسخ و دشمنی با نبوت را خروج از ملت اسلام تلقی می‌کنند.^۱ اما علل و عوامل مختلفی در طول حیات تاریخ اسلام باعث پیدایش و رشد و رواج دسته‌بندی‌ها و فرقه‌گرایی بین مسلمانان شد که مهم‌ترین آن عوامل، اختلاف افکار و سلاقی مسلمانان، تحولات سیاسی اجتماعی و روابط اجتماعی فرهنگی مسلمانان با صاحبان دیگر ادیان و مکاتب بوده است. شهید اول که از متأخران علمای شیعه که با علمای مذاهب اسلامی مجالس بحث و مناظره داشته در جریان مناظره‌ای با ابن جماعه عالم سنی شافعی بر سر مسائل عقیدتی به بحث و گفتگو می‌پرداخت.^۲

۴. زمینه‌های فقهی

پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام(ص) تحولات و دگرگونی‌هایی در سنت‌های اسلامی با تغییر در سنت و شیوه سلوک پیغمبر اکرم(ص) و همچنین تغییر در قوانین الهی بوجود آمد و به مرور زمان رواج پیدا کرد. خلفای سه‌گانه از جمله عمر بر اساس مصلحت‌اندیشی و اجتهاد شخصی به این دگرگونی‌ها دامن زدند.^۳ براساس نقل منابع تاریخی، خلفا هم بر خلاف سیره یکدیگر احکام و قوانین الهی را تغییر می‌دادند. خلیفه دوم بر خلاف سیره خلیفه اول برخی احکام و قوانین الهی را تغییر داد. از جمله این تغییرات می‌توان به تغییر در سنت ازدواج موقت (متعّه)^۴ و حرام دانستن آن در عین حالی که متعه سنتی پسندیده بود و همچنین تغییر در نحوه طلاق اشاره کرد.

۱. بغدادی، عبدالقاهر؛ *الفرق بین الفرق*؛ صص ۱۷-۱۸.

۲. خوانساری، محمدباقر؛ *روضات الجنات فی الحوال العلماء و السادات*؛ ج ۷، ص ۲۶۸.

۳. ابن ابی الحدید؛ *شرح نهج البلاغه*؛ ج ۱، صص ۱۸۱-۱۸۳.

۴. همان.



خلیفه دوم اگر کسی زن خود را در یک مجلس و به صورت یک باره، سه طلاقه می‌کرد، آن را سه طلاق می‌دانست^۱، در صورتی که این نظریه طبق موازین الهی صحیح نیست. طرفداران فکری خلفا نیز با انتشار و تبلیغ این رفتارها^۲ توانستند با بیان شرعی بودن اقدامات خلیفه، سنت‌های الهی را تغییر دهند. آنها زمینه بسیاری از بدعت‌ها و انحرافات را در دین اسلام به وجود آوردند. از جمله این بدعت‌ها عمل به قیاس (مقایسه احکام الهی با یکدیگر) و استحسان در مقابل نص و عمل به عقل بود که با این تفکرات در حقیقت سلايق شخصی خود را در دین خدا اعمال می‌کردند. این انحرافات در حوزه مباحث فقهی زمینه‌ای بود تا شیعیان با انجام و ایجاد مناظرات به تغییر نگرش و اصلاح این رفتارها در حوزه مسائل فقهی بپردازند. مناظرات اندیشوران شیعه در طی قرن‌های اول و دوم هجری از جمله مناظره عبدالله بن عباس با عبدالله بن زبیر درباره متعه^۳ و مناظره مؤمن طاق با ابوحنیفه درباره طلاق ثلاثه^۴ از جمله اقداماتی بود برای بیان سنت رسول خدا(ص) تا درستی و ماهیت سنت‌ها و آیین‌های الهی از خاطر محو نشود.

در طول قرن‌های هفتم تا یازدهم هجری با تقویت و اوج‌گیری و در بعضی مواقع رکود و ضعف مکاتب کلامی همچون معتزله، اشاعره، حنابله و اهل حدیث تحت عنوان مذاهب اهل سنت در مقابله با مکتب شیعه شاهد بررسی، تجزیه و تحلیل آراء فقهی این گروه‌ها با مکتب شیعه هستیم. در طی این قرون عالمان متبحری همچون شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی، سید بن طاووس، خواجه نصیر طوسی و دیگر علمای شیعه به نقد آراء فقهی اهل سنت چه در مناظرات و چه در کتب فقهی خود می‌پرداختند. در این میان مسائل مهمی چون ارث، متعه، مسائل نکاح، اجتهاد و قیاس از دیدگاه اهل سنت به بحث و مناظره گذاشته شد و از عقاید شیعه در این موضوعات دفاع شد. علمای شیعه در راستای پاسخ‌گویی به اختلافات فقهی با اهل سنت به انجام دو کار مبادرت می‌کردند. یکی اینکه ایشان با حضور در مجالس مناظره به نقد آراء فقهی اهل سنت می‌پرداختند و دیگر اینکه جهت تجزیه و تحلیل و نقد آراء و نظرات مکاتب اهل سنت

۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج؛ **صحیح مسلم**؛ ج ۲، ص ۱۰۹۹.

۲. ابن خلدون، محمد؛ **تاریخ ابن خلدون**؛ ج ۱، صص ۲۷۸-۲۷۹.

۳. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی؛ **الفتوح**؛ ج ۶، صص ۳۲۴-۳۲۵.

۴. مجلسی، محمدباقر؛ **بحار الانوار**؛ ج ۱۰، ص ۲۳۰.

مبادرت به نوشتن آثار فقهی و مطرح کردن مسائل مورد نظر در کتب خود می‌کردند. شیخ مفید یکی از مشاهیر شیعه با نوشتن رساله‌های مستقلی همچون مسائل اهل الخلاف^۱ به بیان موارد تمایز و اختلافی و همچنین به بیان حدود و قلمروهای فقهی بین فقه شیعه با فقه اهل سنت می‌پرداخت. ایشان همچنین در کتاب‌های (امالی)، (العیون و الجالس) و (المقنعه) خود به مناسبت‌های گوناگون آرای علمای اهل سنت را مطرح کرده و به صورت مفصل به بررسی و نقد دیدگاه‌های آنان پرداخته است. در ادامه این حرکت شاگردان نامدار شیخ مفید از جمله شیخ طوسی با تألیف کتاب (الخلاف) و سید مرتضی با تألیف کتب (الانتصار) به طرح و بیان اختلافات فقهی بین شیعه و سنی پرداختند.

۱۸

در طول تاریخ گروه‌های گوناگون سیاسی، اعتقادی برای رسیدن به اهداف خویش از تحریف تاریخ و تخریب گروه‌های مقابل خود بهره می‌گرفتند. معمولاً برای تخریب شخصیت‌های برجسته و ممتاز گروه‌های مقابل یا دست به تحریف آن قسمت تاریخ می‌زدند یا چهره آن شخصیت‌ها را تخریب می‌کردند. از جمله تحریف‌ها و تخریب‌های صورت گرفته در تاریخ، تخریب و تحریف مکتب تشیع با توجه به اهمیت این مکتب با محوریت امامت بوده است. این مکتب با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد خود کانون توجه گروه‌های مختلف بوده است و این ویژگی‌های خاص همانند داشتن تاریخی استوار، برخورداری از علوم مختلف، عمل به دستورات الهی، قرار گرفتن در کانون مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی و آشکار ساختن ماهیت آن باعث هدایت و تربیت شخصیت‌ها و افراد جامعه بوده است. اما دشمنان و مخالفان شیعه با اهداف سیاسی مذهبی و اجتماعی در جهت تخریب شیعه فعالیت‌های وسیعی انجام دادند. در مقابل این اقدامات مخالفان شیعیان به طرق گوناگون از جمله بوسیله مناظره با این جریان‌ها و گروه‌ها به مبارزه می‌پرداختند.

مهمترین واقعه تاریخ اسلام قبل از رحلت پیامبر اکرم (ص) جریان واقعه غدیر خم بود که در این واقعه حضرت علی (ع) به عنوان جانشین رسول خدا (ص) از طرف خداوند منصوب و توسط پیامبر به مسلمانان معرفی شده بود. اما هنوز چند ماهی از این واقعه نگذشته بود که دشمنان اهل بیت: و تشیع با یک برنامه ریزی مکارانه با از یاد بردن این

۱. آقابزرگ تهرانی، محمدحسن؛ *الذریعة الی تصانیف الشیعة*؛ ج ۲۰، ص ۳۳۷.

واقعه تاریخی سعی در از بین بردن تاریخ تشیع داشته‌اند لذا به همین علت در بیشتر مناظرات ائمه اطهار و شیعیان برجسته با افراد و فرقه‌های مختلف ایشان علاوه بر تصریح بر وجود اهل بیت: به منزله نور الهی و معین شدن آنها از طرف خداوند، به گزارش‌های تاریخی دیگر ادیان در خصوص رهبری و پیشوایی امامان معصوم نیز تمسک می‌کردند. در اکثر مناظرات شیعیان درباره امامت و جانشینی ائمه اطهار: آنچه هدف اصلی قرار می‌گرفت بیان واقعه غدیر خم و تصاحب حق جانشینی امام علی(ع) توسط خلفا بوده است. شیعیان با این اقدامات خود از رویدادهای بنیادی تاریخ تشیع دفاع کرده و از تغییر دادن و دگرگون ساختن تاریخ تشیع توسط افراد و اشخاص فاسد و گمراه ممانعت می‌کردند، تا بدین وسیله حقایق را به گوش عموم مردم برسانند و حتی دشمنان و معارضان را به اصلاح افکارشان ملزم سازند.

مناظره علی بن میثم با ابوالهذیل و ضرار ضبی^۱ و مناظره هشام بن حکم با ضرار ضبی^۲ و همچنین مناظره مؤمن طاق با ابو حنیفه و ابوالهذیل^۳ از جمله نمونه‌هایی است که منحرفان در صدد دگرگون جلوه دادن تاریخ بودند، اما شیعیان با اندیشه‌های آنان مبارزه و حقیقت تاریخ تشیع را تبیین کردند. تخریب وجهه علمی و معنوی شیعه توسط دستگاه سیاسی حاکمیت نیز زمینه ساز شکل‌گیری مناظرات امامان و علمای شیعه با مخالفان بوده است. اقدامات مخالفان با برنامه‌ریزی و با تخریب چهره ائمه: آغاز شد. تلاش‌های مخالفان با فراخواندن متکلمان و مبلغان مکاتب گوناگون برای تخریب پایه و اساس تشیع یا سنجیدن توانمندی علمی امامان شیعه صورت می‌پذیرفت. برای مثال مأمون خلیفه عباسی با اهداف خاص زمینه دعوت از همه دانشمندان فرقه‌های مختلف سرزمین‌های اسلامی را برای مناظره با امام رضا(ع) فراهم کرده و مجالسی ترتیب می‌داد تا امام رضا(ع) با این علماء به مناظره بپردازد و از این راه به اهداف خود برسد.^۴

دستگاه حاکمیت افزون بر فعالیت جهت تخریب امامان شیعه برای تخریب وجهه علمی و معرفتی شیعیان و شاگردان ائمه اطهار نیز مجالس مناظره ترتیب

۱. سید مرتضی؛ *الفصول المختاره*؛ صص ۵۱-۵۳ و ۶۴-۶۵.

۲. همان، ص ۶۲.

۳. طبرسی، احمد بن علی؛ *الاحتجاج علی اهل اللجاج*؛ ج ۲، صص ۳۸۱ و ۳۸۳-۳۸۴.

۴. همان، صص ۴۱۵ به بعد.

می‌دادند. هارون الرشید یا یحیی بن خالد با جمع کردن منحرفان فکری و دشمنان شیعه در مجالسی از هشام به عنوان عالمی شیعی می‌خواستند که با آنها مناظره کند^۱ و حتی گاهی خود یحیی بن خالد با هشام مناظره می‌کرد. آنان اهداف خاصی از ترتیب دادن این مناظرات داشتند که مهم‌ترین هدف آنان این بود که اگر شیعیان توان پاسخگویی به مسائل مطرح شده را نداشته باشند شیعیان را تخریب کرده و افکار و دیدگاه‌های خود را به جامعه القا کنند. از دیگر اهداف آنان درگیر کردن شیعیان به مسائل نوظهور بود که با این حربه، توان شیعیان به جنگ و قیام علیه خلافت وقت، محدود نشود. آنان همچنین می‌خواستند با این شیوه و ناتوان جلوه دادن شیعیان در جوابگویی به موضوعات و پرسش‌های اعتقادی اساس اندیشه و تفکر شیعه را نادرست اعلام کنند. اما آنها هرگز به این اهداف خود نرسیدند و شیعیان با توان علمی بالای خود و روشنگری و آگاه سازی مردم نسبت به مسائل اعتقادی توطئه‌های آنها را خنثی کرده و باعث ماندگاری شیعه در تاریخ شدند، همانطوری که حضور فعال شیعیان در مناظرات و بیشتر قیام‌های آنها در برابر جور و ستم خلفا پدید آورنده این تاریخ روشن بوده است. هدف از برپایی برخی از جلسات مناظره به منظور استهزای طرف مقابل و تخریب طرف مقابل با اتهامات ناروا و به دشواری افکندن وی نزد حاضران در مجلس بوده است.

یکی از مواردی که مخالفان به تخریب شیعه می‌پرداختند، اتهام‌های کذب به ایشان بود. دشمنان شیعه با انتشار اتهام‌هایی همچون خروج از دین و رافضی بودن سعی در تخریب جایگاه معنوی تشیع داشتند. یکی دیگر از اقدامات مخالفان اتهام‌های ناروا از جمله عدم توانایی در جوابگویی نسبت به مسائل مورد نظر در مناظره بوده است. در کتاب الفصول المختاره نقل شده که ابوالحسین خیاط یکی از سران معتزله گفته است که مردی از اصحاب امامت از جانب رئیسی پیش من آمد و ادعایی درباره داستان غار و ابوبکر مطرح کرده است و من هم جواب او را داده و به او گفتم به رئیست این جواب را بگو. خیاط گفت آن مرد رفت و دوباره به سوی من بازگشت پس به او گفتم پیش رئیست رفتی؟ گفت: بله گفتم. خیاط پرسید، در جواب چه گفت، مرد گفت رئیست به من گفت منشین با خیاط (یعنی جواب تو را نداد بلکه گفت پیش خیاط مرو که تو را

۱. سید مرتضی، پیشین، ص ۶۲.



هم بد مذهب می‌کند) شیخ مفید پس از نقل این مطلب بیان کرد که من گمان ندارم صحت این حکایت را و دور نمی‌دانم که بوده باشد این از کذب افترای خیاط.^۱

این انحرافات در حوزه مباحث فقهی زمینه‌ای بود تا شیعیان با انجام و ایجاد مناظرات به تغییر نگرش و اصلاح این رفتارها در حوزه مسائل فقهی بپردازند. یکی از فعالیت‌های علمی شیعیان، حضور در مناظرات و جواب دهی به شبهاتی بود که در زمینه‌ی مسائل مهم عقیدتی آن عصر، بین مسلمانان و برخی فرقه‌ها و مذاهب دیگر رایج شده بود. اهداف شیعیان از حضور و شرکت در مناظرات، بیان و آموزش حقیقت دین، کشف دیدگاه حق و پاک‌سازی عقاید اسلامی از ضلالت و گمراهی بود؛ زیرا مناظره‌ی نیکو یکی از عوامل پویایی اندیشه اسلامی و از قدیمی‌ترین روش‌های تقابل اندیشه‌ها محسوب می‌شود. این اهمیت سبب شد که مناظره به منزله‌ی شیوه‌ای آموزشی و تمدن ساز تأثیر ویژه‌ای در جامعه‌ی اسلامی و توسعه‌ی منابع انسانی داشته باشد. در جریان مناظره عالم معروف شیعه سید بن طاووس با جمعی از اهل سنت در مجلسی این عالم شیعی خطاب به آنها بیان می‌کند که اعتراض و خرده‌گیری شما نسبت به شیعه امامیه در چه مباحثی است تا ایشان بدون تقيه پاسخ دهند. شخصی از میان آنها که معلوم بود اعلم آنهاست گفت: چهار اشکال بر آنها دارم. اول آنکه نسبت به صحابه پیامبر(ص) بدگویی و بی‌احترامی می‌کنند. دوم آنکه به رجعت قائلند. سوم آنکه به متعه (عقد موقت) قائلند. چهارم آنکه قائلند که مهدی زنده و باقی است در حالیکه عادتاً کسی این مقدار عمر نمی‌کند.^۲ سید با بیانی شیوا جواب سئوالات این عالم سنی را به نحو احسن داد و این عالم سخنان سید را تصدیق کرد تا جایی که آن شخص در پایان سر به زیر انداخت و چیزی نگفت. این مناظره براساس یکی از موارد اختلاف فقهی بین شیعه و سنی صورت گرفت.

نتیجه‌گیری:

یکی از عوامل پویایی تفکرات اسلامی و از قدیمی‌ترین شیوه‌های برخورد اندیشه‌ها که مورد تأیید اسلام نیز می‌باشد، مناظره است. مناظره به شیوه نیکو، یکی از روش‌های

۱. همان، صص ۹۸-۱۰۰.

۲. شهیدی کلپایگانی، محمدباقر؛ *برنامه سعادت*؛ صص ۷۴-۷۷.

متداول و عقلایی جهت تبیین اندیشه‌ها و باورها و دفاع از مبانی اعتقادی است. در طول تاریخ گروه‌های مختلفی از این شیوه استفاده می‌کردند و قرآن کریم و سیره پیامبر(ص) و امامان شیعه نیز به این سبک توجه ویژه‌ای داشتند. اولین اختلاف سیاسی بین مسلمانان پس از وفات پیامبر گرامی اسلام(ص) بر سر مسأله جانشینی ایشان بوجود آمد؛ برای اینکه سازمان‌دهی و برپایی حکومت و قدرت سیاسی به منزله روایندای مهم در راس امور زندگی سیاسی مسلمانان شناخته شده و مورد قبول واقع شده بود. پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام(ص) گروهی منفعت طلب در سقیفه بنی ساعده در پی تشکیل قدرت سیاسی برای مدیریت و حاکمیت بر جامعه اسلامی برآمدند. آنها با نادیده گرفتن انتصاب حضرت علی(ع) از طرف خداوند و معرفی ایشان از طرف پیامبر(ص) در روز غدیرخیم، جریان سقیفه را راه اندازی کردند. با شکل‌گیری این جریان، زمینه‌های بوجود آمدن مناظرات و گفتگوهای کلامی و اعتقادی شیعیان با مخالفانشان فراهم شد و در طول قرن‌های متمادی این موضوع باعث بروز مناظرات و احتجاج‌هایی بین مسلمانان در جامعه اسلامی گردید. از جمله دستاوردهای این پژوهش حضور پر رنگ علمای شیعه در محافل و مجالس علمی در تمام مناطق اسلامی بوده است. علمای شیعه با تاسی از امامان: خود در طول تاریخ خصوصاً بین قرن‌های هفتم تا یازدهم قمری به تبیین جایگاه و منزلت امامت و نقش آن در هدایت عملی و علمی جامعه و دفاع از این جایگاه و مقام، به مبارزه با منحرفان فکری و عقیدتی از طریق مناظره می‌پرداختند. علمای شیعه با ورود به محافل و مجالس علمی و معرفتی و برپایی مناظرات کلامی و فقهی زمینه رواج و گسترش مذهب شیعه در طول قرون متمادی را فراهم کردند.

آنچه به طور خلاصه در بخش جمع بندی و نتیجه‌گیری قابل طرح است ذکر این مطلب است که علمای نامدار شیعه همچون سید بن طاووس، شیخ بهایی، خواجه نصیر الدین طوسی، علامه حلی، قاضی نورالله شوشتری، شهید اول، عمادالدین طبری در طول قرن‌های هفتم تا یازدهم هجری با فراهم شدن زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فکری و عقیدتی در راستای دفاع از مبانی عقیدتی شیعه در مناطق مختلف اسلامی، زمینه رشد و تکامل مکتب عقیدتی شیعه، ابطال عقاید انحرافی و هدایت برخی از منحرفین را بوجود آورده و منشا خدمات علمی، فرهنگی و اجتماعی بسیاری در جامعه اسلامی شدند.



منابع و مأخذ:

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی، الفتوح، تحقیق علی شیری، چاپ اول، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۱ق.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، تحقیق خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
۴. ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم، الخراج، بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۹۹ق.
۵. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: دارالاضواء، [بی تا].
۶. بحرانی، یوسف بن احمد، لؤلؤة البحرين، تحقیق محمدصادق بحر العلوم، چاپ دوم، قم، آل‌البيت:.
۷. بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر، الفرق بین الفرق و بیان فرقه الناجیه منهم، بیروت: دارالجيل، ۱۴۰۸ق.
۸. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۹. حسن، عبدالله، مناظرات فی الامامه، چاپ اول، قم، انوار الهدی، ۱۴۱۵ق.
۱۰. خوانساری، سید محمدباقر، روضات الجنات فی الحوال العلماء و السادات، ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۰.
۱۱. خوانساری، سید محمدباقر، روضات الجنات، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۲ق.
۱۲. سید مرتضی، علی بن حسین، الفصول المختاره، چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۱۳. شریعتی سبزواری، محمد باقر، مناظره و تبلیغ، چاپ دوم، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(ع)، ۱۳۹۰ش.
۱۴. شوشتری، نورالله، مجالس المؤمنین، چاپ چهارم، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۷ش.
۱۵. شهیدی گلپایگانی، محمدباقر، برنامه سعادت (ترجمه کشف المحجّه سید بن طاووس)، تهران: المکتبه المرتضویه، [بی تا].
۱۶. صدوق، محمد بن علی، الهدایه (فی الصول و الفروع)، ج اول، قم، موسسه امام‌هادی(ع)، ۱۴۱۸ق.

۱۷. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، تحقیق محمدباقر خراسان، مشهد: نشر المرتضی، ۱۴۰۳ق،
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۹. محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۲۰. محمدی اشتهاردی، محمد، یکصد و یک مناظره جالب و خواندنی، قم: علامه، ۱۳۷۸ش .
۲۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح المسلم، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی تا].
۲۲. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دار الصادر، [بی تا].
۲۳. یاوری سرتختی محمد جواد، بررسی و تحلیل مناظرات شیعیان امامیه عصر ائمه اطهار، چ اول ، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی H، ۱۳۹۰ش، ص ۶۰
۲۴. یگانه، سید احسان، بررسی و تحلیل مناظرات علمای امامیه با علمای اهل سنت از قرن هفتم هجری تا پایان قرن یازدهم هجری، موسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا(ع)، ۱۳۹۸ش.

